



## یادی از هوشنگ گلشیری و جن نامه اش / تلاش برای تفسیر دوباره جهان



نگاهی به «جن نامه» اثر هوشنگ گلشیری

بهمن سقائی

کسی گفته بود، «دریا چه تغییرها کرده از نگاه فراوان آدم‌ها.» و این دگرگونی بزرگ را می‌شود حس کرد، اگر خوب به دریا خیره شویم. اما بر جهان ما همچنان تغییر یعنی جابجایی چیزی یا جانشینی کسی. برای بررسی رمان «جن نامه» که بر بنیاد ایستایی یا تغییر جهان بنا شده، این گفتاورد شاید چنان مرتبط باشد که بگوییم راوی «جن نامه» باور (img/news/lg/7880.jpg) دارد تغییر جهان یعنی روی کار آمدن حکومتی دلخواسته. (نقل به معنا - ص ۲۲۹) و این خود، تکرار ذهنیتی قدیمی است.

به باورم تفاوت است میان دگرگونی دریا به نگاه آدم‌ها و دگرگونی جهان به روی کار آوردن حکومتها؛ زیرا دگرگونی اولی، برگرفته از جهان خودویژه ادبیات هنر و دومی از ملزومات جهان سیاست است. از این رو که نویسنده داستان با یکی کردن این دو، راوی را بر می‌انگیزد به تلاش برای ایستاندن زمین.

می‌شود گفت گلشیری متأثر از نویسندگان «رمان نو» فرانسه، بویژه «آلن رب گریه» بود که به استقلال حضور مکان از آدم‌ها و درخود بودنشان باور داشتند، بی آن که پژواک زندگی آدمیان باشند.

اگر به تالارهای باروک هتل «سال گذشته در مارین باد» و مکان «هزارتو»ی آلن رب گریه و بسیار پیشتر از اینان به ساختمان رفیع و آرایه‌ی درونی کلیسای «کمبره» در رمان «در جستجوی زمان از دست رفته» اثر مارسل پروست نگاه کنیم، در می‌یابیم چرا گلشیری صندوق اسرار دستیابی به «حقیقت عالم» را در دیوار خانه‌بازمانده از نیاکانش جای داده است. «کنزالحسینی» و «مرآت‌الخیال» و دستنوشته و کتاب‌ها و یک قلم‌نی برای نوشتن، این‌هاست میراث عموحسین عموی که سال‌ها پیش مرده و نام و گنجش را گذاشته برای تکرار مکرر خود، یعنی: برادرزاده‌اش حسین، که می‌شود راوی داستان «جن نامه». راوی ای که یقین دارد به حضور پرمعنای مکان و رهایی زمین از گردشی که به آن گرفتار آمده است. همین خود دستمایه‌ی داستان جن‌نامه شده است. او می‌رود تا به کمک اوراد درون را تهی از حرکت کند، زمین که ایستاده است از مدت‌ها پیش.

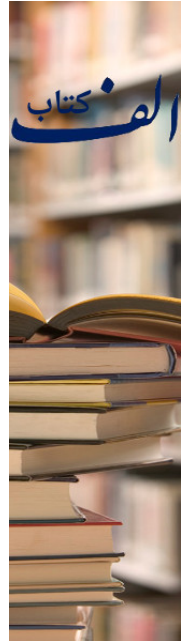
راوی در روایت داستان جدیت دارد و مولف برای بازگویی آدم و حیوان و زندگی از زبان طنز بهره مند می‌شود. چرا که اگر مولف هم جهان را به جد می‌دید، می‌شد باور کرد جهانش تک ساختی ست و این خرق عادت بود برای خواننده تا بر دستنوشته‌های راوی چشم بگشاید و به بانگهای تازه و ناهماهنگ با آواهای مالوف جهان، گوش دهد.

بهرتر است بر داده‌ها اتکا کنیم که جدیت راوی و طنز مولف بیشتر با جهان واژگان داستان همخوان است و اراده برای ایستاندن زمین جدی ست. اما خوب بنگریم به کلید ماجرا، موجوداتی ماورای طبیعی (اوراد و اسرار احضار جن و ایستایی زمین) در اوایل دوره رضا شاه پهلوی بعلت نا مساعد بودن شرایط در صندوقی مهروموم شده در جزر دیوار زندانی شده بودند. از دیگر سو خانواده‌ای که برای مدتی از سنت گذشته دست شسته و به جهان صنعتی «شرکت نفت آبادان» روآور شده بود، پس از سالها دوباره به موقعیت پست پیشین پرتاب شده، ناچار به خانه ی نیا کان باز می‌گردد.

اقامت از سر اجبار در مکان جادویی جدید خانواده را وادار می‌کند بیشتر خود را غرق آن کنند. کندن دیوار پهن پستوی خانه، به یافتن صندوقچه‌ای منجر می‌شود. به محض بازشدن دریچه‌اش موجودات ماورای طبیعی از آن سربرآورده، بر آدم‌ها (بویژه حسین راوی داستان) تسلط یافته، آنان را وادار به اعمالی می‌کنند که گرچه خمیره مایه‌اش را پیش از این داشته‌اند، اما هیچ مسئولیتی درقبال این اعمال ندارند.

از این پس، آدم‌ها در خدمت این نیروهای جادویی قرار می‌گیرند تا دستیابی به مقصود امکان‌پذیر شود. این موجودات ماورای طبیعی که به شکل کتاب و دستنوشته - بیشتر کتاب ادعیه و اوراد دوره صفویه- خودنمایی می‌کنند، پس از ظهور دوباره بر سرور خانه تسلط یافته، درامی را پدید می‌آورند که ناگفته آشکار است به کدام واقعیت اجتماعی کنونی اشاره دارد.

این نیروها راوی و دیگران را وا می‌دارند تا به ایستادن زمین از حرکت اقدام کنند. راوی و نیروهای تحت امر پا به سرنوشتی می‌نهند که در درون خود گرایش و میل به آن داشته‌اند، «تلاش برای بازگشت زمین و علم به دوران بطلمیوس». راوی ناچار است به مکتوب کردن وقایع تا همه



site/ads/ads/1001.htm



site/ads/ads/1002.htm



site/ads/ads/1004.htm



site/ads/ads/1005.htm



در دل تاریخ حفظ شده و درس عبرتی باشند برای آیندگان که دیگر گرفتار چنین سرنوشتی نشوند. او به سفری در گذشته دست می‌زند برای بازگشت عمو حسین، تا او زنش کوکب را بی‌حضور مظاهر تمدن و تغییرات دوباره به آغوش کشد.

احضار روح و تثبیت زمین هم‌هنگام است با خورشید گرفتگی اردیبهشت سال ۱۳۵۵ و مراسم آیینی communion meal از همین زمان آغاز می‌شود که هنوز هم ادامه دارد تا شکست تثبیت زمین بر همگان اثبات شود.

راوی جن نامه می‌خواهد دون کیشوت را دوباره زنده کند با این تفاوت که جهان به وضعیت پیشینی بازگردد که دون کیشوت یا دون کیشوت‌های زمانه می‌خواهند. در فرجام هم زمین به چرخش ادامه می‌دهد و نیروهای برون آمده از دوران «بحارالانوار»ی مجلسی‌ها در گورستانی که مراسم آیینی برای دستیابی به مقصود برگزار می‌شود، با وجود احضار روح عمو حسین و کوکب که در کالبد راوی و ملیحه «معشوقه راوی» زندگی می‌کنند، بازهم دانش بشری و عقلانیت پیروز می‌شود و زمین همچنان به چرخش ادامه می‌دهد. آنگاه کوکب هم موفق می‌شود شوهرش را وارداد به جاری کردن طلاق، «زوجهٔ موکلی کوکب طالق» و رهایی زن.

پرسش این است که آیا مولف خواسته فرهنگ خرافی گذشته را به نقد بگیرد یا اصولاً به انتقاد از بدیهیات جامعه برخاسته است؟ آیا جن نامه داستان باززایی و از بندرستن نیروهای جهل و خرافی «مفاتیح‌الجنان» ها و «بحارالانوار» هاست که امروزه برآندند تا دوباره بر جامعه ای مسلط شوند که از مدتها پیش پذیرای عقل مدرن و فرهنگ تکنولوژیک شده است؟ آیا مراسم آیینی در گورستان در واپسین زمان داستانی خود گونه‌ای از ناگزیری شکست خرافه و جهل و به ریشخند گرفتن مناسباتی کهنه است که دوباره سربرآورده تا خود را زندگانی ای نو بخشد؟

یا چنان که از ظاهر امر بر می‌آید، داستان و آدم‌هاش کسانی‌اند خسته از علم، قاعده، قانون و تمدن که در پی ریشخند زدن به همه‌ی این اصول بدیهی، در پی جهانی و مکانی دیگرند مستقل از آدمیان. نوعی نگاه دیگرسان به بدیهیات تعیین شده برای ما.

چنین برداشت می‌شود که جن‌نامه روایت تفسیر کامل جهان پیرامون است. جامعیت شناخت. بهره‌گیری از راه حل‌های کلان جهانی که همچنان اینجا و آنجا برای عده‌ای راهگشای خوشبختی ابدی است. همان چیزی که در باقی آثار گلشیری بیشتر از آثار دیگران بچشم می‌آید. راوی جن‌نامه که می‌خواهد زمین ایستا باشد، خودش حرکت می‌کند. این‌جا و آن‌جا می‌رود. آسمان و ریسمان بهم می‌بافد تا دردها و مصایب اجتماعی روزگار خود را واگویی کند، گیرم به طنز مولف آن را قبول نداشته باشد. جهانگردی به نفی جهان نشسته که می‌خواهد جهان را در جامعیت خود بازنمایی و تفسیر کند و آن‌گاه تغییرش دهد.

می‌دانیم وجه مشترک همه‌ی رمان‌های پیش از جنگ دوم جهانی (از جمله اولیس جیمز جویس) این بود که جهان را به گونه‌ای جامع بازنمایی می‌کردند، تکرار همان کارکردی که اسطوره‌های روزگار کهن انجام داده بود: تفسیر کامل جهان به شکل و هویتی مدرن. تفسیر مدرنیته برای تمامیت تفسیری جهان، نوعی اسطوره‌سازی مدرن به دلیل شور و شوق کودکانه انسان‌ها از رشد شتابان تکنولوژی و دستاوردهایش که نماد مجسم آن را در آثار هنرمندان فوتوریست ایتالیایی و روسی سراغ داریم، پدیده‌ای که زاینده‌ی اندیشه‌ی هگلی از جهان بود.

منتقدان ادبی معتقدند رمان پس از آشویتس - نماد بی‌بدیل تکنولوژی و امیدهای سرخوشانه مردمان به جامعه‌ی آرمانی از راه پیشرفت تکنولوژی - آشکارا از تفسیر جهان دست کشید و باور کرد تنها می‌توان تصویری از گوشه‌های تنگ و تاریک، گوشه‌های فراموش شده، حاشیه‌های زندگی را ارائه داد. اما جن‌نامه همچنان اسیر آن فضاهای داستانی‌ست که رسالت تفسیر جامع جهان را برعهده داشته‌اند. از همه این‌ها که بگذریم، درواقع گلشیری شیفته «در جستجوی زمان از دست رفته» مارسل پروست است. او به قول راوی می‌نویسد تا همه‌ی آن‌ها زنده باشند. «باید بنویسم تا باشند، مثل پدر که هستش یا عمه بزرگه که باید سلول به سلول بسازمش تا باشدش همچنان که بود.» (ص ۳۰۹)

او تلاش دارد خاطره‌ها را زنده کند تا گذشته را بازسازی کند، تا به همین طریق از حرکت زمین (گذشت زمان) جلوگیری کرده باشد به کمک اورادی که صفحه‌های کتاب خودش (جن‌نامه) است. اما مگر بسیار پیش از این مارسل پروست چنین بدعتی را پیش روی ما گذاشت تا بعدها به سنتی در داستان تبدیل شود؟

نقل قول‌ها از کتاب جن‌نامه نشر باران سوئد

مد و مه/یکشنبه ۰۷ خرداد ۱۳۹۶

واژگان:

پرونده هوشنگ گلشیری (site/tag/tag/4027.htm/) زندگی و آثار هوشنگ گلشیری (site/tag/tag/13206.htm/)

بهمین سقائی (site/tag/tag/22759.htm/) «جن‌نامه» اثر هوشنگ گلشیری (site/tag/tag/22760.htm/)

نقد «جن‌نامه» اثر هوشنگ گلشیری (site/tag/tag/22761.htm/)